



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

راه توشه

زائران امام هشتم علیه السلام

سید مهدی باشم زاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ره توشه راه

نویسنده:

سید محمدرضا هاشم زاده

ناشر چاپی:

نورالحیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	ره توشه راه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	اهداء
۱۲	فهرست
۱۴	فصل اول : آشنائی با زندگی امام رضا ۷
۱۴	اشاره
۱۶	فرزندان
۱۷	ولایت عهدی امام رضا علیه السلام
۱۷	احضار امام از مدینه به مرو
۱۸	امتناع امام رضا علیه السلام
۱۹	شرط امام رضا علیه السلام
۲۰	رفتار امام پس از پذیرش ولایت عهدی
۲۳	چرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را قبول کرد؟
۲۸	فصل دوم : کرامات و معجزات
۲۸	اشاره
۲۹	شمه ای از فضائل آن حضرت
۲۹	معجزه زیبایی از حضرت رضا علیه السلام
۳۱	امام رضا علیه السلام ضامن آهو
۳۲	کرامتی از مشهد امام رضا علیه السلام
۳۲	شفا و نجات یک زن مسیحی
۳۴	فصل سوم : آشنائی با حرم مطهر
۳۴	اشاره

۳۵	حرم مطهر
۳۵	ضریح مطهر حرم رضوی
۳۷	مسجد گوهرشاد
۴۰	فصل چهارم : فضیلت زیارت و آداب زیارت حضرت
۴۰	اشاره
۴۱	زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام
۴۱	فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام از کلام معصومین علیهم السلام
۴۵	زیارت ائمه اطهار علیهم السلام
۴۶	فضیلت زیارت
۴۸	آداب زیارت
۵۲	چگونگی زیارت امام هشتم علیه السلام
۵۸	زیارت وداع
۵۸	چگونه با امام خود وداع کنیم؟
۶۱	درباره مرکز

سرشناسه: هاشم زاده، سید محمد مهدی، 1361-

عنوان و نام پدیدآور: ره توشه راه/سید محمد مهدی هاشم زاده.

مشخصات نشر: اصفهان: نورالحيات، 1402.

مشخصات ظاهری: 52ص.

شابک: 5-28-5985-622-978-

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن موسی (علیه السلام)، امام هشتم، 153؟ - 203ق.

موضوع: Ali ibn Musa, Imam VIII

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، 153؟ - 203ق. -- زیارت

موضوع: Ali ibn Musa, Imam VIII-- Pilgrims and pilgrimages

رده بندی کنگره: BP47

رده بندی دیویی: 297/957

شماره کتابشناسی ملی: 9207888

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

ره توشه راه

نویسنده: سید محمد مهدی هاشم زاده

انتشارات: نورالحيات

چاپ: اول، بهار 1402

قطع: رقعی / 52 صفحه

حروف چینی: مهدی آقابابایی

شمارگان: 100 نسخه

شابک: 978-622-5985-28-5

ص: 1

اشاره

ره توشه راه

سید محمد مهدی هاشم زاده

ص: 2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 3

این اثر کوچک را به پیشگاه مولایم ثامن الحجج علی بن موسی الرضا تقدیم می کنم، امیدوارم این خدمت ناچیز را از بنده کمترین بپذیرد.

یا سائراً إلی طوسٍ *** ابلغ سلامی الرضا و حطّ به

مشهد طهر و ارض تقدیس *** اکرم رمس لخبیر مر موس

«صاحب بن عباد»

ای زائر مشهد مقدس که به سوی طوس روانی!

سلام من را به علی بن موسی الرضا برسان و در کنار بارگاهش بنشین.

شهادت گاه پاکیزه و زمین مقدسی است.

بارگاه با عظمتی که بهترین شخصیت در آن آرمیده.

فصل اول: آشنائی با زندگی امام رضا علیه السلام..... 7

فرزندان..... 9

ولایت عهدی امام رضا علیه السلام..... 10

احضار امام از مدینه به مرو..... 10

امتناع امام رضا علیه السلام..... 11

رفتار امام پس از پذیرش ولایت عهدی..... 13

چرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را قبول کرد؟..... 16

فصل دوم: کرامات و معجزات..... 21

شمه ای از فضائل آن حضرت..... 22

معجزه زیبایی از حضرت رضا علیه السلام..... 22

امام رضا علیه السلام مضامن آهو..... 24

کرامتی از مشهد امام رضا علیه السلام..... 25

شفا و نجات یک زن مسیحی..... 25

فصل سوم: آشنائی با حرم مطهر..... 27

حرم مطهر..... 28

ضریح مطهر حرم رضوی..... 28

مسجد گوهرشاد..... 30

فصل چهارم: فضیلت زیارت و آداب زیارت حضرت..... 33

زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام..... 34

فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام از کلام معصومین علیهم السلام..... 34

زیارت ائمه اطهار علیهم السلام..... 38

فضیلت زیارت..... 39

آداب زیارت..... 41

چگونگی زیارت امام هشتم علیه السلام..... 45

زیارت وداع..... 51

چگونه با امام خود وداع کنیم؟..... 51

ص: 6

فصل اول : آشنائی با زندگی امام رضا 7

اشاره

ص: 7

امام هشتم شیعیان ، علی بن موسی الرضا ست ، امام رضا علیه السلام در روز 11 ذی القعدة سال 148 ه.ق در مدینه به دنیا آمد. پدرش ، موسی بن جعفر علیه السلام هفتمین امام شیعیان است، مادرش نجمه نام داشت ، نام او «علی» پر آوازه ترین لقبش «رضا»⁽¹⁾ و کنیه اش «ابوالحسن»⁽²⁾ است.

امام رضا 35 ساله بود که در سال 183 ه.ق پس از شهادت مظلومانه پدرش در زندان هارون پیشوائی را بر عهده گرفت.

17 سال در مدینه و 3 سال پایانی را در خراسان سپری ساخت زمانی که امام هشتم به امامت رسید، هارون الرشید (پنجمین خلیفه عباسی) به ناحق بر جایگاهش تکیه زده بود. همان کسی که موسی بن جعفر علیه السلام را به شهادت رساند.

نزدیک به ده سال در روزگار هارون (سال های 183-193) در مدینه زندگی کرد.⁽³⁾

پنج سال (193-198) نیز در خلافت محمد امین⁽⁴⁾ و 5 سال پایانی (سال های 198-203) در خلافت مأمون ، دو سال در مدینه و سه سال در خراسان ، سپری شد .

ص: 8

-
- 1- . برخی از لقب های دیگر آن امام همام عبارت است از: صابر ، زکی ، فاضل ، رضی ، وفی ، ولی .
 - 2- . سه امام معصوم دارای کنیه «ابوالحسن» هستند ، از این رو حضرت علی علیه السلام را ابوالحسن اول ، امام رضا علیه السلام را ابوالحسن ثانی و امام هادی علیه السلام را ابوالحسن ثالث می گویند.
 - 3- . در این مدت امام علیه السلام زیر نظر مزاحمت هارون و حاکمان منصوب بود.
 - 4- . امین ، جوانی عیاش، بی لیاقت و بی اعتنا به امور مملکت و اداره کشور بود.

امام رضا علیه السلام در 55 سالگی به دستور مأمون در واپسین روز ماه صفر 203 هجری قمری به شهادت رسید. (1)

فرزندان

فقیه گرانقدر شیعه، مرحوم شیخ مفید، در کتاب «ارشاد» خویش می نویسد:

« امام رضا علیه السلام از دنیا رفت و فرزندى جز پسرش ابوجعفر محمد بن علی یعنی امام جواد از خود باقى نگذاشت که او هنگام شهادت پدر، هفت سال و چند ماه داشت. نظر شیخ طبرسى در اعلام الوری و ابن شهر آشوب نیز چنین است، ولی از دیدگاه ابن طلحه در مطالب السئول و ابن خضیر در معالم العترة و ابونعیم در حلیة الاولیاء، آن حضرت پنج پسر و یک دختر به نام های محمد قانع (امام جواد علیه السلام)، حسن، جعفر (شاه کرم)، ابراهیم، حسین و یک فرزند دختر به نام فاطمه بنت الرضا داشت.» (2)

ص: 9

1- . رجوع کنید : ارشاد مفید ج2 ص 239 باب 20 و منتهی الآمال ج2 باب 10.

2- . خاندان وحی، علی اکبر قرشی ص 569 با اندکی تصرف. و کتاب و اخبار و آثار امام رضا علیه السلام نوشته عزیز الله عطاردی ص 219.

سراسر زندگی امامان علیهم السلام نورانی است، ولی هر امام هنگام امامت، رویدادهای سیاسی ویژه ای داشته است. ولایت عهدی امام رضا علیه السلام مهم ترین رویداد روزگار آن امام همام است، از این رو، این بحث را به اختصار مطرح می کنیم.

در موضوع ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ابهام هائی بسیار به چشم می آید که داوری را مشکل کرده است، اما در این میان برخی مسائل نیز جزء مسلمات تاریخ به شمار می رود. نخست با تکیه بر مسلمات تاریخ، ماجرای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام را بیان می کنیم و سپس ابهام ها را به بررسی می کشانیم.

احضار امام از مدینه به مرو

آوردن امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو، با مشورت امام و با جلب نظر قلبی ایشان نبود و این از مسلمات تاریخ است. هیچ تاریخ نگاری در این باره مکاتبه یا مذاکره ای از مأمون با امام ذکر نکرده است.

ص: 10

1- . در تدوین بحث « ولایت عهدی امام رضا علیه السلام » از کتاب « سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام » نوشته استاد شهید مطهری استفاده کرده ام . و عبارات با تصرف (حذف، اضافه و جابه جایی مطالب) نقل شده است برای بهره بیشتر به آن کتاب ارزشمند بنگرید.

هیچ گاه مامون به امام نگفت که ایشان را برای چه موضوعی خواسته است، بلکه وی امام رضا علیه السلام را بدون آن که موضوع را روشن کند، احضار کرد. او موضوع را برای نخستین بار در مرو با امام در میان گذاشت.

دستور داد امام و شماری بسیار از آل ابی طالب را از مدینه، تحت نظر و به اجبار حرکت دهند و به مرو آورند. حتی مسیری که برای امام رضا علیه السلام انتخاب کرد، مسیر مشخصی بود که حضرت از مراکز شیعه نشین عبور نکند. مامون از این مسیر می ترسید؛ زیرا تماس امام رضا علیه السلام با شیعیان برای دستگاه خطر آفرین بود. او دستور داد حضرت را از طریق کوفه بیاورند، بلکه از طریق بصره و خوزستان و فارس به نیشابور بیاورند. مأمون خود مسیر را مشخص کرده بود کسانی که مأمور این کار بودند، بسیار با امام رضا علیه السلام کینه و عداوت داشتند. سرداری که مأمور این کار شد به نام «جلودی» یا «جلودی» بسیار به مأمون وفادار بود و کاملاً مخالف با امام رضا علیه السلام، هنگامی که مأمون در مرو ماجرای ولایت عهدی را مطرح کرد، جلوئی گفت: (من با این کار مخالفم). هر چه مأمون گفت: (خفه شو!). گفت: (من مخالفم). او و دو نفر دیگر به دلیل مخالفت با ولایت عهدی امام رضا علیه السلام به زندان افتادند و سپس به همین دلیل کشته شدند.

امتناع امام رضا علیه السلام

گذشته از این که مامون موضوع ولایت عهدی را در مدینه با امام رضا علیه السلام در میان نگذاشت، هنگامی که در مرو این موضوع را مطرح کرد

امام رضا علیه السلام به تندی مخالفت و طرح مأمون را رد کرد. ابوالفرج در «مقاتل الطالبین» نوشته است :

مأمون ، فضل بن سهل و حسن بن سهل را نزد امام رضا علیه السلام فرستاد و آنان موضوع ولایت عهدی را مطرح کردند و حضرت به سختی امتناع کرد. سرانجام آن دو نفر گفتند: (این کار اختیاری نیست، ما مأموریم که اگر نپذیری ، همین جا گردنت را بزنیم). باز هم امام نپذیرفت ، مأموران نزد مأمون رفتند و موضوع را باز گفتند. مأمون خود با حضرت گفت و گو کرد و امام را به قتل تهدید کرد. او خطاب به امام گفت: (چرا نمی پذیری؟ مگر جدت علی بن ابیطالب در شورا شرکت نکرد؟! [\(1\)](#) سرانجام امام رضا علیه السلام تحت فشار و تهدید به قتل ولایت عهدی را پذیرفت.

شرط امام رضا علیه السلام

از نقاط روشن تاریخ است که چون امام رضا علیه السلام خود را برای پذیرش ولایت عهدی ناچار یافت، با مأمون شرط کرد که در امور سیاسی مداخله نکند. امام این شرط را مطرح ساخت که من ولایت عهدی را به شرطی

ص: 12

1- . می خواست بگوید این کار با سنت خاندان شما سازگار است و حضرت علی علیه السلام نیز در شورا شرکت جست و در امر انتخاب خلیفه دخالت کرد ؛ یعنی حضرت علی علیه السلام از حق خود گذشت و تسلیم روزگار شد!

می پذیریم که در هیچ کاری مداخله نکنم و مسئولیت هیچ کاری را نپذیریم؛ یعنی مرا شریک اعمال خود مکنی، کاری را بر عهده ام مگذاری، نه در کار قضا دخالتی داشته باشم، نه در عزل و نصب ها و نه در کاری دیگر.

در واقع امام رضا علیه السلام می خواست مسئولیت کارهای مامون را بر عهده خود او نهد و همچنان در جبهه مخالف حکومت بر جای ماند.

رفتار امام پس از پذیرش ولایت عهدی

سر انجام روزی را معین کردند و مردم را فرا خواندند تا با امام رضا علیه السلام بیعت کنند، و مردم برای بیعت آمدند. مأمون در کنار خود محلی برای امام رضا علیه السلام بر نهاد. او دستور داد نخست پسرش، عباس بن مأمون (که به ظاهر پیشتر ولی عهد یا نامزد ولایت عهدی بود) با امام رضا بیعت کند. دومین کسی که بیعت کرد، یکی از سادات علوی بود. آن گاه مأمون فرمان داد که بر همین ترتیب یک عباسی و یک علوی بیایند و با امام بیعت کنند و به هر یک هدیه هائی فراوان نیز می داد.

امام رضا علیه السلام برای بیعت با مردم دستش را به گونه ای خاص گرفت تا مردم با قرار دادن دست خود بر روی دست امام، بیعت کنند. مامون گفت: دستت را پیش آور تا مردم با شما بیعت کنند.

امام علیه السلام فرمود:

نه جدم پیغمبر چنین بیعت می کرد. دستش را پیش می گرفت و مردم بر دستش می گذاشتند. سپس خطیبان و شاعران و سخنرانان و مداحان پیش

آمدند و خطابه و شعر خواندند و در مدح امام رضا علیه السلام و مدح مأمون سخن گفتند و تمجید کردند.

آنگاه مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: برخیز و برای مردم سخنی بازگو.

بی گمان مأمون انتظار داشت که حضرت در آن جا او و خلافتش را تأیید کنند. خطبه ای که امام علیه السلام در جلسه ولایت عهدی نزد مأمون ایراد کرد، حقایقی مهم را روشن می کند.

در همان مراسم تشریفاتی امام به گونه ای رفتار کرد که ناسازگاری خود با دستگاه مأمون را پدیدار ساخت. خطبه ای خواند در دو سطر. نه نامی از مأمون برد و نه کوچک ترین سپاسی گفت. قاعده این بود که نامی از او نبرد و دست کم سپاسی بگوید. بی گمان مأمون انتظار تعریف و تمجید داشت. اما نخست حمد و ثنای الهی گفت و حقوقی را که بر عهده حاضران بود گوشزد نمود. خطبه به پایان رسید.

در این دو سطر امام فرمود:

«ما اهل بیت عصمت و طهارت حقی بر شما مردم داریم (مراد همان ولایت بود؛ یعنی این حق از آن ماست و چیزی نیست که مأمون بخواهد به ما واگذارد). و شما مردم بر عهده ما حقی دارید. هر گاه شما حق ما را ادا کردید، ما وظیفه خود را درباره شما انجام می دهیم. والسلام» (1).

ص: 14

1- ... ثم قال المأمون للرضا عليه السلام: اخطب الناس و تكلم فيهم . فحمد الله و اثنى عليه و قال: لنا عليكم حق برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و لكم علينا حق به ، فاذا اتممنا ذلك و جب علينا الحق لكم . و لا يذكر عنه غير هذا في ذلك المجلس... (بحار الانوار، ج 49، ص 145)

امام دو جمله فرموده است: (ما حقی داریم و آن خلافت است). و شما حقی دارید به عنوان مردم خلیفه باید آنان را اداره کند. شما حق ما را بدهید تا ما حق شما را ادا کنیم.

در این مجلس نه تنها از مأمون تشکری نشد، بلکه مضمون کلام امام رضا علیه السلام بر خلاف روح و اقتضای جلسه ولایت عهدی بود. امام رضا علیه السلام ولی عهد تشریفاتی بود که حاضر به مداخله در کارها نبود. در مواردی که مجبور بود مداخله کند، به شکلی مداخله می کرد که منظور مأمون تأمین نشود. به همین دلیل، امام رضا علیه السلام در نماز عید شرکت نمی کرد تا آن ماجرای مشهور رخ داد.

ماجرا از این قرار بود که مأمون از امام رضا علیه السلام خواست که در یک روز عید، نماز عید بخواند.

امام فرمود: این خلاف عهد و پیمان من است. قرار بود من در هیچ کاری مداخله نکنم.

مأمون گفت: اگر شما هیچ کاری را قبول نکنید، مردم پشت سر ما بد می گویند و ما را متهم می کنند. حالا این یک کار مانعی ندارد، شما بپذیرید. امام فرمود: بسیار خوب، این نماز را قبول می کنم، اما باید به روش جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کنم، نه این رسمی که امروز معمول است.

مأمون گفت: بسیار خوب، به هر روشی که بگوئید قبول است.

امام رضا علیه السلام با پای برهنه و حالتی خاص از خانه خارج شد. مردم نیز از او پیروی کردند. چنان غوغائی در شهر بر پا شد که مأمون ترسید و از میانه راه حضرت را باز گردانید. مأمون و فضل با طرحی که داده بودند، می خواستند امام را در نظر مردم پائین آورند، ولی هنگامی که واکنش امام را دیدند، پشیمان شدند و دریافتند که اگر امام به مصالّی برسد، با جمعیتی که به دنبال خود دارد انقلابی به راه خواهد انداخت. جلوی حضرت را گرفتند و ایشان را از بین راه باز گرداندند و نگذاشتند از شهر خارج شود.

چرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را قبول کرد؟

شاید کسی پرسد: چرا وقتی امام رضا علیه السلام در دعوت به همکاری مأمون، سوء نیت دید، در برابرش مقاومت نکرد و مگر نه این که مأمون ایشان را تهدید به کشتن کرد؟ خوب مقاومت می کرد، اگر چه او را می کشتند. چطور جدش امام حسین علیه السلام در برابر یزید مقاومت کرد و کشته شد. امام حسین علیه السلام نیز تهدید شده بود و می دانست سر انجام به شهادت خواهد رسید، اما تن به ذلت نداد و در خون خود غلطید.

پیش از پاسخ به این پرسش باید یک مسئله شرعی را خوب روشن کنیم، زیرا فهم درست این مسئله خیلی از ابهام ها را بر طرف می کند. مسئله این است:

آیا انسان حق دارد خود را در موقعیتی قرار دهد که کشته شود؟

باید دانست که خویشتن را به کشتن دادن ، یا انجام کاری که منجر به قتل خویش گردد ، حرام است.

اما گاهی خود را به کام مرگ سپردن نه تنها جایز بلکه واجب نیز هست در جایی که کشته شدن شخص بیش از زنده ماندنش برای اسلام مفید باشد ، خود را به تیغ سپردن (با در نظر گرفتن دیگر شرایطش) جایز است و اگر تنها راه نگهداری دین همین باشد، این عملیات انتحاری واجب می شود . در ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام دقیقاً چنین بود. زنده ماندن و بیعت با فاسدی چون یزید نه تنها ننگی برای خاندان اهل بیت بود، بلکه اسلام را به نابودی می کشانید.

موضوع ولایت عهدی برای نخستین بار به وسیله معاویه مطرح شد. او فرزندش یزید را جانشین خود کرد. امام حسین علیه السلام کشته شدن را بر بیعت با یزید برگزید؛ زیرا برای بیداری امت اسلامی (که شهوت و مقام آن ها را مست کرده بود و پس از رسول خدا پنجاه سال تباهی دیدند و هیچ نگفتند) راهی دیگر نبود. خون امام حسین علیه السلام مسلمانان را بیدار کرد و اسلام را برای همیشه، دینی زنده و حیات بخش نمود. اگر همین رویداد در زمان امام حسن علیه السلام (یعنی بیست سال پیش از شهادت امام حسین علیه السلام) رخ می داد و امام حسن علیه السلام خود را به تیغ معاویه می سپرد، دیگر اسلامی نمی ماند تا خون امام حسین علیه السلام پیکر بی جانش را جانی تازه بخشد. امام حسن علیه السلام از مرگ هراسان نبود؛ بلکه همان گونه که شهادت برای حسین بن علی علیه السلام یک افتخار است، برای امام حسن علیه السلام نیز آرزوی دیرین بود. امام حسن علیه السلام

پنج سال برای یاری دین خدا و رسیدن به درجهٔ والای شهادت در رکاب پدر خویش شمشیر زد و آن گاه که به مقام امامت رسید، اگر نا بخردی و نامردمی نامردان روزگار نبود، در برابر فتنه گران شام تا مرز شهادت می ایستاد.

اکنون پرسش این است:

آیا شرایط امام رضا علیه السلام مانند شرایط امام حسن علیه السلام بود یا مانند حسین بن علی؟

آیا پذیرفتن شهادتِ اختیاری دردی را از دین درمان می کرد؟ خود را به دست جلادان سپردن، شهادت اختیاری نیست، چه بسا حماقت و بی تدبیری باشد. کسی را که بدون اختیار خودش می کشند، مثل مسموم ساختن امام رضا علیه السلام (که از نظر شیعه بی گمان ایشان را با سم به شهادت رساندند) در این صورت راهی برای گریز و گزینش نیست، اما گاهی انسان میان دو امر مختار و مخیر است و خود باید یکی را برگزیند: یا کشته شدن را و یا در خدمت حکومت بودن را کسی نگوید سرانجام همه می میرند، پس انسان هیچ گاه نباید زیر بار ظلم رود و ستم ستمکاران را بپذیرد.

همچنین این سخن درستی نیست که مرگ حق است و بهتر از پذیرفتن ظلم و ستم است. انسان باید بررسی کند که انجام کاری که از او خواسته اند، ارزش زنده ماندن دارد یا نه؟ اگر زندگی انسان در برابر خواستهٔ دیگران بی ارزش باشد و در برابر خداوند، پاسخی قانع کننده داشته باشد، پذیرفتن مرگ اختیاری سرزنشی نخواهد داشت.

ص: 18

امام رضا علیه السلام میان پذیرفتن ولایت عهدی ناخوشایند و کشته شدن مخیر بود. با توجه به جو آن روزگار اگر امام رضا علیه السلام در برابر خواست مأمون مقاومت می کرد و کشته می شد، هیچ اثر و سودی برای اسلام نداشت و تاریخ او را بر این کار محکوم می کرد. پس، صرف حضور ایشان در دستگاه مأمون مورد ایراد نیست. اتفاقاً کسی به امام رضا علیه السلام اعتراض کرد که چرا نامتان در میان نام این افراد است؟ درست است که شما در امور سیاسی دخالت نمی کنید؛ اما چرا در دستگاه حضور دارید؟ امام رضا علیه السلام پاسخ داد: آیا شأن پیامبر بالاتر است یا شأن جانشین پیغمبر؟

گفت: شأن پیغمبران.

فرمود: یک پادشاه مشرک بدتر است یا یک پادشاه مسلمان فاسق؟

گفت: پادشاه مشرک.

فرمود: کسی که همکاری با دستگاه جور را در خود در خواست کند، بالاتر است یا کسی که با زور وادار به همکاری اش کنند؟

گفت: آن کسی که خود در خواست همکاری کند.

فرمود: یوسف علیه السلام صدیق پیغمبر بود و عزیز مصر، کافر و مشرک. حضرت یوسف علیه السلام خود تقاضا کرد که با حکومت کفر همکاری کند. قرآن در خواست حضرت یوسف علیه السلام را چنین آورده است: «اجعلنی علی خزائن الأرض اِنّی حفیظُ علیم» (1)؛ زیرا می خواست مقامی را اشغال کند که از آن بهترین استفاده را بکند. عزیز مصر کافر بود و مأمون مسلمان فاسق. یوسف

ص: 19

پیغمبر بود و من وصی پیغمبرم. یوسف پیشنهاد همکاری با حکومت داد ولی مرا به این کار مجبور کرده اند.

اگر کسی برای پیشبرد اهداف خود و یاری به مسلک و دینش وارد دستگاه دشمن شود، هیچ ایرادی بر او نیست. او دستگاه دشمن را برای هدف خود استخدام کرده و این در زمانی که ناپود کردن دشمن ممکن نباشد بهترین راه برای نزدیک شدن به هدف نهائی است و این حقیقت در هر منطقی پذیرفته شده است. اگر کسی به دستگاه بیگانه وارد شود و نیروی خود را در اختیار بیگانه قرار دهد، سرزنش می شود، اما کسی که به دستگاه بیگانه نفوذ می کند تا دستگاه را به خدمت خویش گیرد، شایسته ستایش است. امام موسی بن جعفر علیه السلام با کسانی که به خدمت دشمن در می آمدند، با دو شیوه رفتار می کرد: صفوان جمال را (که تنها سود شخصی به خدمت هارون در آمد) به سختی منع کرد و فرمود: چرا شترهایت را به هارون اجاره داده ای؟ و از سوی دیگر علی بن یقطین را محرمانه یاری می کرد تا در دستگاه هارون بماند و به شیعیان خدمت کند تا جائی که به او فرمود: تشیع خود را پوشیده دار و در دستگاه بمان. مانند آنان وضو بگیر و مانند اهل تسنن نماز بخوان، اما در دستگاه حکومت ستمگر بمان و به شیعیان خدمت کن!»

ص: 20

شمه ای از فضائل آن حضرت

شیخ صدوق به سند معتبر از حضرت نجمه خاتون علیها السلام مادر آن بزرگوار روایت کرده که فرمود: چون حامله شدم به فرزندم رضا علیه السلام هیچ وجه سنگینی حمل در خود احساس نمی کردم و چون به خواب می رفتم صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حق تعالی را از شکم خود می شنیدم خائف و ترسان بیدار می شدم، صدائی نمی شنیدم، چون آن فرزند سعادت‌مند از من متولد شد دست های خود را بر زمین گذاشت و سر مطهر خود را به سوی آسمان بلند کرد لب های مبارکش حرکت می کرد و سخنی می فرمود که من نفهمیدم. در آن ساعت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پدر بزرگوارش به نزد من آمد و فرمود که: گوارا باد تو را ای نجمه خاتون کرامت پروردگار تو سپس آن فرزند سعادت‌مند را در جامه سفیدی پیچیده و به آن حضرت دادم.

حضرت در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه خواندند و آب فرات طلبیدند و کامش را به آن آب برداشتند، سپس فرزند را به دست من داد و فرمود: این نوزاد را بگیر که این بقیه الله است و بعد از من در زمین حجت خداست.

معجزه زیبایی از حضرت رضا علیه السلام

محدث بزرگوار شیخ حر عاملی صاحب کتاب ارزشمند «وسائل الشیعه» اعجازی را از ثامن الائمه علیه السلام آورده است که شنیدنی است و مرحوم

آیه الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری آن را به نظم آورده است که در پی این داستان خواهد آمد.

مرحوم عاملی آورده است که در روزگار ما جوانی آراسته و خوش قامت دچار ناراحتی بود و از زبان گنگ و کاملاً لال بود تا این که به زیارت حضرت رضا علیه السلام شتافت و با همه وجود شفای خویش و رفع گنگی زبان خود را با توسل به آن حضرت از آفریدگار توانای هستی درخواست نمود حضرت رضا علیه السلام او را مورد مهر خویش قرار داد و با اعجاز آن حضرت، زبانش پس از سالیان بسیار باز و با زبانی گویا و رسا از حرم مطهر خارج شد که داستانش برای مردم این زمان معروف است او پس از مشاهده این اعجاز و شفا یافتن زبانش قصیده ای سرود که اینگونه آغاز می گردد.

یا کلیم الرضا علیه السلام و علیک السلام و الاکرام

آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری فرزند بنیانگذار حوزه علمیه قم مرحوم آیه الله حائری بزرگ قدس سره این قصیده را به فارسی ترجمه و بدین گونه سروده است:

ای آنکه با امام رضا هم سخن شدی *** گل بودی چه بلبل شیرین دهن شدی

بادا درود بر تو از حی مطلقى *** کز جلوه اش تو بلبل این انجمن شدی

با من سخن بگو که شوم هم کلام تو *** ای آنکه با علی ولی هم سخن شدی

ص: 23

آیا به کودکی تو رافت نمود و خواست *** تا مورد عنایت صاحب منن شدی

با حسن و دلبری تو جلب نظر نمود *** تا در فشان چه طوطی شکر شکن شدی

یا آنکه رهنمای حقیقت به اذن حق *** بنمود جلوه و تو عروس چمن شدی

یا آنکه بهر جلوه حق در ره خدا *** اینک چراغ روشن و زمن شدی

امام رضا علیه السلام ضامن آهو

یکی از کرامات و معجزات آن حضرت سخن گفتن با حیوانات است که باعث ایمان آوردن عده زیادی بوده است.

درباره ضمانت حضرت امام رضا علیه السلام از آهوی بیابان چنین مشهور است که صیادی ماده آهوئی را صید نموده بود و در راه به حضرت رضا علیه السلام برخورد نموده، چون آهو چشمش به حضرت رضا علیه السلام افتاد، به آن بزرگوار پناهنده شد و درخواست نمود که آن حضرت ضمانت کند تا او برود و به بچه هایش شیر بدهد و برگردد.

امام پیش صیاد ضمانت کرد و آهورفت و پس از مدتی با دو بچه اش برگشت و همین برگشتن آهو موجب شد تا صیاد به امامت آن حضرت اعتراف و آهوان را آزاد کند. (1)

ص: 24

شخصی از اهالی بلخ با برده (غلام) خود به زیارت مرقد شریف حضرت رضا علیه السلام آمدند، آن شخص در جانب بالا سر مرقد، و غلامش در ناحیه پائین پا مشغول نماز بودند، پس از نماز، هر دو به سجده رفتند و سجده آنها طول کشید تا این که شخص بلخی قبل از غلام خود سر از سجده برداشت و غلام خود را صدا زد، غلام برخاست و نزد مولای خود آمد، بلخی به او گفت: آیا می خواهی تو را آزاد سازم؟

غلام گفت: آری.

بلخی گفت: تو را در راه خدا آزاد ساختم و کنیزم را که در بلخ است آزاد نمودم و او را همسر تو گرداندم به فلان مقدار مهریه که خودم آن مهریه را می پردازم، و فلان باغ خود را به شما دو نفر وقف نمودم و بعد از شما وقف فرزندان و نسل شما باشد.

غلام گریه کرد و گفت: سوگند به خدا و به این امام همام که من نیز همین تقاضا را در سجده کردم. (1)

شفا و نجات یک زن مسیحی

این قضیه از مجله آستان قدس شماره 6 ص 82 نقل می شود:

روز پنجم مرداد یک بانوی مسیحی که به تازگی مسلمان شده بود به دفتر آستان آمد و معجزه ای که از امام هشتم نصیبش شده بود را شرح داد.

ص: 25

خانم «رافیک اصلانین» 28 ساله هم اکنون در بیمارستان فیروزآبادی تهران کار می کند. وی شرح و نجات یافتن خود را چنین بیان کرد:

گفت: سال گذشته دچار بیماری صعب‌العلاجی شدم که قدرت حرکت از من سلب شد و از ناحیه ستون فقرات درد بسیار شدیدی احساس می کردم.

پزشکان تهران پس از عکس برداری اظهار داشتند پنج مهره از ستون فقرات تو سیاه شده و با عمل جراحی هم علاج پذیر نیست من که در همه در مانده بودم شنیدم که در خراسان امامی هست که بیماران را شفا می بخشد با هزاران امید و اشتیاق و تحمل رنج و مشقت بسیار خود را به مشهد رساندم و با راهنمایی خدام آستان قدس شبی را در پشت پنجره فولاد گذراندم سحرگاه در خواب دیدم که شخصی مجلل به نزد من آمد و دستی بر پشتم کشید که حرارتی عجیب در خود احساس کردم و فرمود: تو بهبود یافتی چون از خواب بیدار شدم با نهایت شگفتی خود را سالم دیدم و از شدت شوق می گریستم زمانی که به تهران بازگشتم پزشکان پس از عکس برداری و تطبیق عکس های قدیم و جدید در شگفت ماندند یک سال از این ماجرا گذشت دوباره به مشهد آمدم و پس از عتبه بوسی حضرت رضا علیه السلام در محضر آیت الله میلانی دین اسلام را پذیرفتم و ایشان مرا به نام فاطمه نامید. (1)

ص: 26

حرم مطهر

حرم به صورت مربعی بود به طول 40/10 و عرض 40/10 متر که مساحت آن بعد از عملیات توسعه به 135 متر مربع بالغ شده است.

ضلع جنوبی حرم (پیش روی مبارک) 20/13 متر، ضلع شرقی (پائین پای مبارک) 11 متر، ضلع شمالی (پشت سر مبارک) 20/13 متر و ضلع غربی (بالای سر مبارک) 40/9 متر می باشد.

ازاره حرم تا ارتفاع 20 سانتی متر با سنگ مرمر و بالای آن تا ارتفاع دو متری با کاشی های نفیس دوره سلجوقی پوشیده شده است.

کتیبه بسیار مهمی که در حرم به چشم می خورد در منتهی الیه دیوار حرم که زیر گنبد است، سوره جمعه به خط علی رضا عباسی خطاط مشهور دوره صفوی است. (1)

ضریح مطهر حرم رضوی

بنابر روایاتی ساختن و نصب صندوق اولیه را به سال (500 هجری قمری) می دانند که صاحب کتاب روضات از کتاب «ثاقب المناقب» بیان می دارد: انوشیروان مجوس اصفهانی از بزرگان دربار سلجوقی در زمان سلطان سنجر که شفا یافته بود بر مرقد مطهر صندوقی از نقره ترتیب و تقدیم نمود.

ص: 28

1- . ارمغان طوس ، ص 57 و 58.

ضریح اول: قوائم آن چوب و اجزاء تشکیل دهنده شبکات آن میله های آهن بوده و روی آنها قسمتی با ورقه نقره پوشیده شده و تقدیمی شاه طهماسب صفوی بوده که قوائم آن فاسد شده و به کلی برداشته شده است و در آن عبارت با طلا آمده است: « در عهد سلطنت بنده شاه ولایت شاه طهماسب صفوی این محجر مبارک در این مکان نصب گردید». (سنه 957)

ضریح دوم: جنس این ضریح فولاد و تقدیم کننده آن ملک پاسبان سلطان نادر شاهرخ شاه الحسینی الموسوی الصفوی بهادر خان بوده که آن وقف و نصب کرده است ، سنه 1160 ه.ق

همچنین مشهور است این ضریح قبلاً روی قبر نادر شاه افشار بوده و نواده او ضریح را وقف و انتقال بر مرقد مطهر امام نموده است.

ضریح سوم: ضریحی است از فولاد که در عصر سلطنت فتحعلی شاه قاجار ساخته شده که بالای ضریح مذکور شبکه ای از طلا داشته است و در سمت شرقی ضریح درب مرصع جواهر نشانی بوده که به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شده است.

ضریح چهارم: در زمان سلطنت محمد رضا شاه پهلوی در سال 1336 شمسی آغاز و در دی ماه 1338 شمسی به اهتمام دکتر سید فخرالدین شادمان نایب التولیه وقت توسط هنرمندان آستان قدس و به همت یکی از مردان نیکوکار خراسانی آقای ابوالحسن حافظیان و نظارت حاجی تقی ذوفن اصفهانی (استاد) ساخته شده و به جای ضریح فولادین قبلی طی تشریفات

خاصی نصب گردید، این ضریح مجموعاً دهانه دارد و تمام از نقره است و کتیبه ای با طلا از آیات قرآن دور تا دور فوقانی آن را گرفته و چهار ترویج فیروزه نشان نیز در چهار گوشه نصب است.

طلای به کار رفته در این ضریح 7952 مثقال طلای 18 عیار و نقره آن 338400 مثقال عیار نود، مفرع معادل یک تن و غیره آهن و چوب ...

ضریح پنجم: کار ساخت این ضریح در سال 1372 شمسی آغاز شده است و در سال 1379 شمسی به پایان رسید.

این ضریح که برای 400 سال آینده پیش بینی شده است علاوه بر یکپارچه بودن دارای صلابت و استحکام قابل قبولی می باشد و ضریح جدید به زیور سوره مبارکه «یس» و «هل اتی» و اسماء و صفات الهی و خط بسیار زیبایی آراسته شده است.

کار نصب ضریح جدید در دی ماه 1379 آغاز شد و طی مدت کوتاهی ضریح جدید در این مکان مقدس نصب گردید. و ضریح قبلی نیز برداشته شد. (1)

مسجد گوهرشاد

این مسجد که در شمار معروف ترین مساجد ایران به شمار می رود در جنوب حرم مطهر واقع شده است.

ص: 30

مسجد گوهر شاد در سال 821 هجری قمری توسط گوهر شاد خاتون همسر شاهرخ پسر امیر تیمور گورگانی ساخته شده و حدود 9410 متر مربع مساحت دارد. این مسجد چهار ایوان و دارای گنبدی بزرگ و دو گلدسته بر ایوان جنوبی آن دارد.

گنبد با شکوه بالای ایوان و دو مناره روی پایه آن نمونه ای از هنر دوران تیموری و هنر مندی معماری چون وقام الدین شیرازی و خطاطی چون بایسنقر فرزند شاهرخ؛ کلیه دیوارها و ایوان های این مسجد به کاشی کاری نفیس آراسته شده و بر روی کاشی ها اسماء اللّٰه و سوره های قرآن و احادیث با خطوط زیبا نوشته شده است.

ایوان های مسجد گوهر شاد:

1- ایوان مقصوره یا ایوان جنوبی مسجد؛

2- ایوان دارالسیاده؛

3- ایوان غربی؛

4- ایوان شرقی.

ص: 31

فصل چهارم : فضیلت زیارت و آداب زیارت حضرت

اشاره

ص: 33

زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام

کشور ایران بر خود می‌بالد که میزبان مهمانی عزیز است، گوهری ارزشمند و ستاره درخشان و اختری تابناک. امام رضا علیه السلام هشتمین پیشوای شیعیان در این دیار آرمیده است و مردمان ولایت دوست ایران سالیانی است که در زیر سایه آن امام همام به سر می‌برند و خدای را بر این همت بس بزرگ سپاس می‌گویند از این رو ما ایرانیان شایسته است پیش از پیش با آن گوهر فروزان آشنا شویم و این موهبت ارزنده را ارج نهیم.

فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام از کلام معصومین علیهم السلام

1- قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«سَتَدْفَنُ بِضَعَةِ مَنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» (1).

در خراسان پاره تنم را دفن می‌کنند هر کس قبرش را زیارت کند پروردگار او را در بهشت می‌برد و از آتش جهنم رها می‌سازد.

2- قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«سَيَقْتُلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ بِالسَّمِّ ظُلْمًا إِسْمُهُ إِسْمِي وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى أَلَا- فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ» (2).

ص: 34

1- . بحار الانوار ، ج 102 ، ص 31.

2- . همان، ص 34 .

به زودی مردی از فرزندان من فرزندم را در خراسان به سم به شهادت می رسد اسم او اسم من و اسم پدرش اسم ابن عمران موسی است کسی که او را در شهر غربت زیارت کند خداوند گناهان او را می بخشد.

3- قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«إِنَّ بَيْنَ جَبَلِي طُوسٍ قَبْضَةً قُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ» (1).

مشهد مقدس بخشی از بهشت است که هر کس داخل شود از آتش جهنم ایمن خواهد شد.

4- قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي ، عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (2).

هر کس از شیعیانم مرا زیارت کند در حالی که عارف به حق من باشد در قیامت شفیع او خواهم بود.

5- قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«أَنَّ ابْنِي عَلِيًّا مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا وَ مَدْفُونٌ إِلَى جَانِبِ هَارُونَ بِطُوسٍ مَنْ زَارَهُ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ» (3).

ص: 35

1- . همان، ص 37.

2- . بحار الانوار ، ج 102 ، ص 33 ؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق ، ج 2 ، ص 626.

3- . بحار الانوار ، ج 102 ، ص 38 .

امام هفتم زیارت قبر فرزندش را همانند زیارت پیغمبر بر شمرده است.

6- قال الرضا عليه السلام:

« مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي، أَتَيْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الصُّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ » (1).

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس مرا در سرزمینی که دور از خاندانم است زیارت کند روز قیامت در سه جایگاه حساس به فریادش می رسد تا از هراس های آن نجاتش بخسم:

1- هنگام دادن نامه اعمال به دست راست و چپ مردم.

2- هنگام عبور از پل صراط

3- هنگام سنجش اعمال.

7- قال الرضا عليه السلام:

« لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرِي طُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيَعَتِي وَزُؤَارِي أَلَا فَمَنْ غُرِبَتِي بِطُوسٍ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ » (2).

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: روزگاری نخواهد گذشت که سرزمین طوس محل رفت و آمد شیعیان و زائران من می گردد

ص: 36

1- . همان، ص 23.

2- . وسائل الشیعه، ج 10، ص 438.

هر کس مرا در غربتم (سرزمین طوس) زیارت کند گناهانش آمرزیده می شود و در قیامت همراه و هم مرتبه ما خواهد بود.

8- قال الرضا عليه السلام:

« إِنَّ بِخُرَاسَانَ لِبُقْعَةٍ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تُصَيِّرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ ... مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكَتَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ ثَوَابَ الْفِ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَالْفِ عُمْرَهُ مَقْبُولَةً وَكُنْتُ أَنَا وَآبَائِي شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ». (1)

امام رضا علیه السلام فرمودند: در خراسان بقعه ای است که زمانی خواهد رسید که محل رفت و آمد فرشتگان گردد هر کس مرا در آن جا زیارت کند همانند کسی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده باشد و خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده به او عطا می فرماید و من و پدرانم در قیامت شفیع او خواهیم بود.

9- جَعَلَ الرضا عليه السلام بَيْتَيْنِ فِي قَصِيدِهِ أَنْشَدَهَا دِعْبَلُ الْخَزَاعِي:

وَقَبْرُ بَطُوسٍ مَنْ مَصِيبِهِ *** تَوَقَّدَ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحَرَقَاتِ

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا *** يُفْرِجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

امام رضا علیه السلام دو بیت را در میان قصیده ای که دعبل خزاعی سرود نهادند و گفتند: و قبری در شهر طوس است که وامصیبتا از غم و اندوهش که تا به روز قیامت آتش به جان زده است تا

ص: 37

آن گاه که خداوند قائمی بر انگیزد و درد و رنج ما را تسلا بخشد. امام فرمود: این قبر، قبر من است. (1)

لازم است بدانیم که هر گوهر ارزشمندی نیاز به مراقبت و نگهداری دارد هر اندازه گوهر ارزشمند تر باشد مراقبت بیشتر می خواهد حال دانستیم که زیارت امام هشتم علیه السلام پاداشی والا دارد زائری که به زیارت حرم امن رضوی مشرف می شود بسیار پر بهاء می گردد و نباید این بهاء را ارزان از دست داد.

زیارت ائمه اطهار علیهم السلام

زیارت ائمه اطهار علیهم السلام و حضور در حرم مطهر ایشان موجب صفای دل و طهارت روح انسان و باعث رفع گرفتاریهای زندگی است، هر کس در سایه زیارت ائمه اطهار علیهم السلام به ایشان توسل جوید دلش به نور الهی منور می شود، و گام های زائر در مسیر زیارت به فرمان عشق ارادت کشش درونی علاقه قلبی او به حرکت در می آید زیارت شاهد صادقی است بر ارادت زائر به همین دلیل است رنج سفر و مخارج آن و خوف و خطر احتمالی سفر را به جان می خرد تا به حضور محبوب و امام خود مشرف شود هنگامی که انسان در مدار عشق و ارادت به امام معصوم قرار گرفت همین محبت و عشق مقدس در جهت خود سازی و تهذیب چاره ساز و هدایتگر و حرکت آفرید است، زائر باید زیارتش همراه با خضوع و خشوع و نیازمندی باشد و برای برآورده شدن حاجت ها و آمرزش گناهان در پیشگاه خداوند به معصومین

ص: 38

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 651.

توسل جوید و نیازهایش را در محضر آنان تقاضا کند و یقین داشته باشد که به برکت و عنایت اهل بیت علیهم السلام انشاء الله دعایش مستجاب و حاجتش برآورده می شود چرا که اراده و مشیت الهی بر این است که حاجت ها را به دست آنان بر آورده سازد و این است معنای آیه قرآن: « و ابتغوا الیه الوسیله»⁽¹⁾ و باید بدانیم که اگر حاجتی بر آورده نشد حتماً و یقیناً به صلاح مانوده.

فضیلت زیارت

معنای زیارت این نیست که حتماً در حرم معصوم حضور یابد انسان در هر موقعیتی می تواند از روی خلوص با ایجاد ارتباط قلبی به ساحت مقدس هر یک از معصومین و توسل بآنها وسیله تقرب خود به خدای متعال را فراهم کند و در پرتو زیارت اسباب سریع در بر آورده شدن حاجات و قبولی دعاهایش را مهیا کند دستیابی به مقام قرب الهی و کسب رضای خدای متعال در زیارت اهل بیت محقق تر است. زیرا زاور به هنگام زیارت با خضوع و خشوع و حضور قلب بیشتری در محضر محبوبش حاضر می شود در نتیجه هیچ گونه فکری از مظاهر دنیا در قلب او وجود ندارد تا مانع کسب فیوضات ربانی شود. این همه به خاطر این است که لیاقت یافته تا به محل نزول فرشتگان و محل رحمت و عنایت پروردگار را یابد آن هم زیارت

ص: 39

بارگاهی که مضجع منور شریف هشتمین حجت بر حق الهی حضرت علی بن موسی الرضا، زائرین آن امام هشتم باید توجه داشته باشند که فضیلت زیارت امام رضا به قدری زیاد است که در روایات بیشترین تاکید و سفارش بعد از زیارت حسین بن علی علیه السلام نسبت به زیارت امام هشتم شده است. چرا که اولاً مرقد مطهرش از موطن سایر ائمه هدای سرزمین حجاز و عراق دور است، ثانیاً امام جواد علیه السلام فرمود: امام حسین علیه السلام را همه زیارت می کنند اما پدرم را جز شیعیان خالص زیارت نمی کنند، طبق روایات معتبره زائر آن حضرت محبوبیت خاصی نزد حق تعالی دارد چندان که اگر غمی داشته باشد خداوند غم او را زائل می فرماید و هم چنین گرفتاری زائر را بر طرف می نماید، گناهان او را می آمرزد، و ثواب هزار حج مقبول به او عطا می فرماید و بهشت را بر او واجب می کند طبق کلام خود امام هشتم علیه السلام نیز روز قیامت در سه مرحله هولناک به یاری زائرین می آید:

1- به هنگام دریافت نامه اعمال

2- به وقت عبور از صراط

3- در جای سنجش اعمال.

بزنطی در روایتی می گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هر کس مرا با معرفت و آگاهی زیارت کند در قیامت از او شفاعت خواهم کرد.

باید بدانیم که معرفت به امام در زیارت (یعنی اینکه بداند امام فرزند پیامبر و رهبر و هادی جامعه و حجت خداست و اطاعت از سخنانش واجب

ص: 40

است) و این لیاقت را در خود ایجاد کند تا مورد لطف و عنایت پروردگار قرار بگیرد، در نتیجه چنین معرفتی جز به معنوی امام دل او را تحت تاثیر قرار می دهد به طوری که خواهش های نفسانیش کاهش می یابد و قدرت بر ترک گناه و تغییر اخلاق ناپسند را پیدا کرده و خود را برای حضور در محضرهای مبارزه با نفس مهیا می کند.

آداب زیارت

سفر زیارتی سفری روحانی و معنوی است، پس زائر پیش از حرکت به سوی مشهد مقدس باید خود را از نظر روحی آماده گرداند و از لحظه ای که لوازم سفر را آماده می سازد همه رفتار و کردارش آماده سفری معنوی باشد بداند که زیارت غیر سیاحت و تجارت و دیدار از بناهای باستانی است، باید از آغاز سفر به گونه ای رفتار شود که شوق دیدار محبوب از سیمای زائر نمایان باشد. تشریف به بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام دارای آدابی است که توجه به آن در جهت قبولی زیارت لازم و ضروری است.

1: زیارت مستحب است، اما ادای حقوق مالی واجب است. بنابراین شایسته است زائر پیش از سفر مالش را از آلودگی ها پاک کند و با مال حلال به زیارت پردازد.

2: پیش از سفر غسل زیارت کند زیرا که این غسل معنویت ویژه به انسان می بخشد. و از آن پس بکوشد در طول مسافرت همراه با وضو باشد.

3: با خواندن آیاتی از قرآن مجید و زمزمه ذکرها جانش را سرشار از معنویت کند و این حال روحانی را تا پایان سفر نگهدارد. و از گفتار لغو و بیهوده بپزدازد.

4: پوشش باید پاکیزه و خوشبو باشد و شایسته است زائر بهترین لباس خود را بر تن کند.

5: حرم بارگاه ملکوتی امام است، از این روزائر باید ادب حضور در پیشگاه امام را ارج نهد، باید در حرم به آرامی گام بردارد زیرا حرم جایگاه نزول فرشتگان است.

6: هنگام تشریف به حرم با زمزمه تکبیر «الله اکبر» و تحمید «الحمد لله» و تسبیح «سبحان الله» و تهلیل «لا اله الا الله» همواره خود را آماده شرفیابی به محضر امام نگاه دارد. و بداند که امام همه کارهایش را می بیند و کلامش را می شنود.

7: هنگام ورود به حرم اذن دخول بخواند و پس از اجازه گرفتن وارد حرم شود. دل نازکی و جاری شدن اشک بر گونه ها، اجازه امام است. پس چه خوب است با چشمی اشکبار به حرم مشرف شود.

8: زائر باید پیش از تشریف آنچه حضور قلب را بر هم می زند برطرف کند و سعی کند که مسائل دنیوی او را از چشیدن لذت سخن گفتن با یار باز ندارد.

9: با پای راست به حرم وارد شود و با پای چپ بیرون آید.

10: بهتر است زائر پشت به قبله و رو به ضریح بایستد، زیارت را همراه با اشک چشم بخواند.

11: بهتر است زائر دهانش را خوشبو سازد تا زائران دیگر را آزار ندهد، در آن چه می خورد دقت کند و مسواک زدن را در طول سفر فراموش نکند.

12: شایسته است زائر زیارت یا دعائی را که از اهل بیت رسیده است را با تلفظ درست و با توجه کامل بخواند، بهتر است زیارت «امین الله» و «جامعه کبیره» که از زیارات معتبره هستند همراه با توجه به معانی بخواند.

13: هنگام دیدن ضریح «الله اکبر» بگوید و دست بر سینه گذاشته و سلام بدهد.

14: زائر با بوسیدن جای آستانه مقدسه محبت و علاقه درونی اش را به امام باز می نماید. اما نباید هنگام بوسیدن ضریح مطهر مؤمنین را آزار دهد.

15: پس از خواندن زیارت نامه در بالای سر یا مسجد متصل به حرم دو رکعت نماز زیارت بخواند. می توان یک نماز دو رکعتی مانند نماز صبح با نیت نماز زیارت خواند، البته مستحب است در رکعت اول «سوره یس» و در رکعت دوم «سوره الرحمان» خوانده شود.

16: در قنوت نماز حاجت های خود و دیگر مومنان را از خداوند بخواهد و آن لحظه از بهترین زمان ها برای دعاست.

17: برای عافیت وجود شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت دعا کند.

- 18: همواره ادب را رعایت کند، بلند سخن نگوید، پشت به ضریح نایستد چشمانش را از حرام فرو بندد، خواهران هم پیش از پیش وقار خویش را پاس بدارند و حجابشان را به درستی رعایت کنند .
- 19: اوقات خود را در حرم مطهر به خواندن قرآن و دعاها و نماز اختصاص دهد و با هدیه کردن ثواب آن به روح پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام خود را به آنان نزدیک گرداند.
- 20: با امام خود پیمان ببندد که در پاک سازی درونش بکوشد.
- 21: پدر، مادر، استادان، دوستان، آشنایان را هنگام زیارت و هنگام دعاها فراموش نکند.
- 22: اگر زیارتت ، با نماز همزمان شد ، نخست نماز را در اول وقت بخوان و سپس به زیارت پرداز.
- 23: هنگام نماز (واجب یا مستحب) نباید بر ضریح پیشه گرفت یا در برابر آن ایستاد زیرا که بی احترامی به امام است و علماء آن را نهی کرده اند حتی برخی از مراجع چنین نمازی را باطل می دانند.
- 24: هنگام جدائی از حرم و بازگشت به وطن، دعای وداع بخوان و با کمال ادب امام را وداع گو و از او بخواه که این دیدار را آخرین زیارت تو قرار مدهد.
- ای زائر امام هشتم هرگاه از سفر بازگشتی ، معنویت به دست آورده را حفظ نما و شیطان رانده شده را نزد خویش مخوان.

با آداب زیارت آشنا شدیم پس با رعایت آداب زیارت، زیارتنامه ویژه امام رضا علیه السلام را می خوانیم. نخست غسل کن و هنگام غسل بگو:

« اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ وَطَهِّرْ لِيْ قَلْبِيْ وَاشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ وَاجْرِ عَلَيَّ لِسَانِيْ مَدْحَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيَّكَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قَوْمَ دِيْنِي التَّسْلِيْمُ لَا مَرْكَ وَ الْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ الشَّهَادَةُ عَلٰى جَمِيْعِ خَلْقِكَ ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ شِفَاءً وَ نُورًا اَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

پس از غسل، لباس پاکیزه بپوش و از هر جا که توانستی با پای برهنه به سوی حرم آرام و باوقار گام بردار! دل به حضرت حق بسپار و در راه همواره الله اکبر، لا اله الا الله، سبحان الله و الحمد لله بگو!

گام های خود را کوتاه بردار. هنگامی که به روضه مقدسه وارد شدی بگو:

« بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ اَنَّ عَلِيًّا وَّلِيُّ اللّٰهِ».

سپس از کنار ضریح مطهر رفته، رو به ضریح و پشت به قبله بایست و بگو:

« أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَالذَّلِيلَ
عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصَلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَلِيِّكَ وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّقِيَّةِ
النَّقِيَّةِ الرَّضِيِّهِ الزَّكِيِّهِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ وَالذَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَّانِي
الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصَلَى قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَالدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثَتْ بِرِسَالَتِكَ وَدِيَانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بِأَقْرَبِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِّ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَلسَانِكَ فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَالحُجَّهِ عَلَى بَرِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَالدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ

المَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ أَنَّى أَتَقَرَّبُ بِحُبِّهِمْ وَأَوْلِيَهِمْ وَلِيَّهُمْ وَأَعَادِيهِمْ عَدُوَّهُمْ فَارزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

آن گاه نزد سر مقدس حضرت بنشین و بگو:

« اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُودَ الدِّیْنِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صِدْقُوهُ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِیِّ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اِسْمَاعِیْلِ ذَبِیْحِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِیْمِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِیْسَى رُوحِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیِّ وَوَلِیِّ اللّٰهِ وَوَصِیِّ رَسُوْلِ رَبِّ

ص: 48

العالمين، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقِ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيِّ الْبَارِّ النَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

سپس اگر توانستی خود را به ضریح برسان و بگو:

« اَللّٰهُمَّ الْيَاكُ صَدَّمْتُ مِنْ اَرْضِيْ ، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ ، فَلَا تُخَيِّبْنِيْ وَلَا تُرَدِّدْنِيْ بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِيْ وَارْحَمْ عَلَيَّ قَبْرِ بْنِ اَخِيْ رَسُوْلِكَ ، صَدَّمْتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَا اَبِيْ اَنْتَ وَاُمِّيْ ، يَا مَوْلَايْ اَتَيْتُكَ زَائِرًا وَاْفِيْدًا عَائِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَيَّ نَفْسِيْ وَاحْتَطَبْتُ عَلَيَّ ظَهْرِيْ ، فَكُنْ لِيْ شَافِعًا اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ فُقْرِيْ وَفَاقَتِيْ ، فَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامٌ مَّحْمُوْدٌ وَ اَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيْهُ».

ص: 49

آن گاه دست راست به سوی آسمان ببر و دست چپ را بر قبر (یا ضریح) آن حضرت بگذار و بگو:

« اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِوَلَايَتِهِمْ ، اَتَوَلِّىْ اٰخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتَ بِهٖ اَوْ اَوْلَهُمْ وَ اَبْرًا مِنْ كُلِّ وَ لِيَجِهْ دُوْنَهُمْ . اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِيْنَ بَدَّلُوْا نِعْمَتَكَ وَ اَتَّهَمُوْا نَبِيَّكَ وَ جَحَدُوْا بِآيَاتِكَ وَ سَخَّرُوْا بِاِمَامِكَ وَ حَمَلُوْا النَّاسَ عَلٰى اَكْتٰفِ اٰلِ مُحَمَّدٍ . اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبِرَائَةِ مِنْهُمْ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمٰنُ » .

آن گاه پائین پای حضرت رفته بگو:

« صَدِّ لِّى اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ ، صَدِّ لِّى اللّٰهُ عَلٰى رُوْحِكَ وَ بَدَنِكَ ، صَبْرْتُ وَ اَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ . فَتَلَّ اللّٰهُ مَنْ فَتَلَّكَ بِالْاَيْدِى وَ الْاَلْسِنِ » . (1)

به درگاه خداوند زاری کن و قاتلان اهل بیت علیهم السلام را لعنت بفرست، سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان که بهتر است در رکعت اول «سوره یس» و در رکعت دوم «سوره الرحمن» خوانده شود و با گریه و زاری، برای خود پدر و مادر و تمامی دوستان و آشنایان دعا کن.

ص: 50

هنگام بازگشت از مشهد مقدس ، با چشمی گریان ، با امام رضا علیه السلام وداع کن و این جمله ها را زمزمه نما:

« أَلْسَلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقاً ، وَاسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ وَاسْتَرَعِيكَ ، وَاقْرَأْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .

چگونه با امام خود وداع کنیم؟

من آمدم قبر تو را دیدم و رفتم *** از روی ادب خاک تو بوسیدم و رفتم

تا در دم مرگ تو به دیدار من آئی *** من آمدم و قبر تو را دیدم و رفتم

ای عقده گشا تا ز دلم عقده گشائی *** من حلقه به دربار تو کوییدم و رفتم

من غرق گناه آمده بودم به حضورت *** مشمول عطایای تو گردیدم و رفتم

تا روز جزا در صف زوار تو باشم *** رخسار به درگاه تو سائیدم و رفتم
با یاد تو طواف حرم ای قبله هفتم *** گرد حرم قدس تو گردیدم و رفتم
چون دست به دامان وصال تو فکندم *** دامن دگر از غیر تویر چیدم و رفتم
دیدم که غریبی ز وطن ای شه مسموم *** بر غربت تو اشک فشانیدم و رفتم
شرح غم جانسوز تو از هر که شنیدم *** غم خوردم و گرییدم و نالیدم و رفتم
در سلک گدایان درت ماند «مؤید» *** من خاک تو بوسیدم و بوئیدم و رفتم

عکس

۵۲ / ره توشه راه

تاروز جزا در صف زوار تو باشم
رخسار به درگاه تو سائیدم و رفتم
بایاد تو طواف حرم ای قبله هفتم
گرد حرم قدس تو گردیدم و رفتم
چون دست به دامن وصال تو فکندم
دامن دگر از غیر تویر چیدم و رفتم
دیدم که غریبی ز وطن ای شه مسموم
بر غربت تو اشک فشانیدم و رفتم
شرح غم جانسوز تو از هر که شنیدم
غم خوردم و گرییدم و نالیدم و رفتم
در سلک گدایان درت ماند «مؤید»
من خاک تو بوسیدم و بوئیدم و رفتم

الحمد	لله	رب	العالمین
العالمین	رب	لله	الحمد
لله	الحمد	العالمین	رب
رب	العالمین	الحمد	لله

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

